

مطالعه تطبیقی ضمانت اجرای فقدان نفع قابل بیمه در حقوق ایران

تاریخ دریافت مقاله: 1390/11/25

محسن ایزانلو¹

تاریخ پذیرش مقاله: 1391/06/11

فریبا فولادگر²

چکیده

نفع قابل بیمه مفهومی نسبتاً ناشناخته در حقوق ایران است که تنها به بیمه‌های خسارت محدود مانده و در حوزه بیمه‌های اشخاص به موجب ماده 23 قانون بیمه ایران مصوب 1316، معیار رضایت بیمه‌شده، جایگزین مفهوم نفع قابل بیمه گردیده است. این در حالی است که در حقوق بیمه انگلیس بر مفهوم نفع قابل بیمه به عنوان اصل اساسی بیمه‌ای - هم در بیمه‌های اشخاص هم بیمه‌های خسارت - تأکید می‌شود و معیار جایگزین یعنی رضایت بیمه‌شده آنچنان مورد اقبال رویه قضایی و قوانین این کشور قرار نگرفته است. حقوق بیمه انگلیس بیش از یک قرن به بررسی ابعاد این مفهوم و ضمانت اجرای آن توجه داشته و ادبیات قابل ملاحظه‌ای هم در بعد اقتصادی هم از جنبه حقوقی در این رابطه در حقوق این کشور شکل گرفته است. درحالی که در قانون بیمه ایران همچون حقوق فرانسه باوجود تأکید بر ضرورت وجود نفع در بیمه‌های خسارت، در رابطه با ضمانت اجرای فقدان آن در قرارداد، حکمی مقرر نگردیده است. مقاله حاضر در نظر دارد تا با نگرشی تطبیقی از یک سو بر ضرورت نفع قابل بیمه نه تنها در بیمه‌های خسارات بلکه حتی در حوزه بیمه‌های اشخاص تأکید نماید و از سوی دیگر با توجه به مبانی نظام حقوقی کشور، ضمانت اجرای فقدان نفع در قرارداد بیمه را روشن سازد.

واژگان کلیدی: نفع قابل بیمه، شرط‌بندی، مخاطره اخلاقی، خطر، ضمانت اجرا

(Email: izanloo@ut.ac.ir)

1. استادیار دانشگاه تهران

(Email: f.fooladgar@ut.ac.ir)

2. کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

1. مقدمه

هرم قرارداد بیمه از سه رأس ضروری «خطر»¹، «حق بیمه»² و «حادثه»³ تشکیل گردیده است که در این میان «خطر» از اهمیت قابل ملاحظه‌ای در مباحث مربوط به نفع قابل بیمه⁴ برخوردار است. به عبارت دیگر نفع، مؤلفه تشکیل دهنده خطر است. بدین توضیح که نفع در عدم وقوع خطر، عنصر اساسی اعتبار قرارداد بیمه است تا جایی که فقدان آن به شرط بندی در قرارداد بیمه می‌انجامد.

نفع قابل بیمه به رابطه اقتصادی و بعضاً معنوی و عاطفی، میان ذی نفع قرارداد بیمه با مال یا حیات در معرض خطر اطلاق می‌گردد و از اساسی‌ترین مفاهیم حقوق بیمه است که تقریباً اکثر کشورهای تحت نظام کامن‌لا، فقدان آن را در قرارداد بیمه از اسباب بطلان و بی اعتباری قرارداد اعلام نموده‌اند. لکن در حقوق ایران نه تنها به ضمانت اجرای روشنی در این رابطه تصریح نگردیده است بلکه حتی در بیمه‌های اشخاص، نفع قابل بیمه مسکوت مانده و معیار جایگزین دیگری مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت بهتر در حوزه بیمه اشخاص برای صحت قرارداد بیمه عمر شخص ثالث یا بیمه‌ی نقصان یا شکستگی عضو شخص ثالث، رضایت بیمه‌شده شرط دانسته شده است حال آنکه در سیستم کامن‌لا، وجود رابطه معنوی یا اقتصادی میان بیمه‌شده و بیمه‌گذار شرط صحت قرارداد معرفی گردیده است.

لذا این مقاله در دو بخش تدوین گردیده است: بخش نخست به بررسی ضرورت نفع در قرارداد بیمه به تفکیک در حوزه اشخاص و خسارات می‌پردازد تا معلوم گردد که آیا رضایت بیمه‌شده می‌تواند به عنوان جایگزین مناسبی برای نفع بیمه‌ای تلقی گردد؟ به علاوه بررسی ضمانت اجرای فقدان نفع در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و انگلیس، موضوع بخش دوم این مقاله خواهد بود.

-
1. Risk
 2. Premium
 3. Event
 4. Insurable Interest

2. ضرورت نفع قابل بیمه در قرارداد

2-1. ضرورت نفع قابل بیمه در بیمه‌های خسارت

در بیمه همیشه این شبهه مطرح بوده است که در آن، امکان «شرط‌بندی»¹ وجود دارد؛ بدین معنی که بیمه‌گذار در ازای مبلغ جزئی حق‌بیمه، ممکن است مبالغ بسیار زیادی را دریافت کند که دریافت چنین مبالغی نیز کاملاً مبتنی بر احتمال و شانس است (صادقی نشاط، 1372).

اما دو نکته در مقام رد این شبهه قابل توجه است. نخست آنکه مقصود قرارداد بیمه این است که در صورت وقوع حادثه، بیمه‌گذار با دریافت خسارت به وضعیت قبل از وقوع خسارت برگردد و آسیب‌های آن جبران شود، درحالی‌که در شرط‌بندی اصلاً جبران مافات مطرح نیست بلکه کسانی که مبادرت به این اعمال می‌کنند در نظر دارند با مبلغ کمی پول، به مبالغ زیادی از دارایی دست یابند. به علاوه در شرط‌بندی، «تأمین»² مطرح نیست بلکه بر عکس شخصی که به شرط‌بندی رو می‌آورد، پیوسته در دغدغه‌ی باختن دارایی‌اش به سر می‌برد که این امر، نقطه مقابل تأمین است (صادقی نشاط، 1372).

برخی لازمه تحقق شرط‌بندی را در جمع شرایط زیر خلاصه می‌کنند: نخست آنکه توافق دو جانبه‌ای میان دو شخص صورت گیرد با این هدف که با وقوع حادثه‌ای احتمالی در آینده، یک طرف، مالی از دیگری به غنیمت ببرد. دوم آنکه احتمال برد و باخت برای هر دو طرف وجود داشته باشد و مهم‌تر از آن، هیچ یک از دو طرف، غیر از گرویی که ممکن است آن را ببرد یا ببازد، نفع دیگری نداشته باشد (Patterson, 1918).

درحالی‌که در قرارداد بیمه این‌گونه نیست. در واقع ترس از پیامدهای مالی ناشی از حادثه احتمالی، بیمه‌شده را در موقعیتی قرار می‌دهد که در انعقاد قرارداد بیمه‌ذی‌نفع باشد و بیمه درصدد است تا با ضرر ناشی از موقعیت خطرناک مقابله کند. لذا خطری

1. Wager
2. Security

که موجب ضرر به دارایی بیمه‌گذار نشود، موجب نفع وی در انعقاد قرارداد نخواهد بود بلکه بیمه‌گذار را به قماربازی مبدل می‌کند که قصد برنده شدن در قرارداد و به عبارت بهتر تمایل به وقوع حادثه و ایجاد موقعیت خطرناک دارد.

ملاحظه می‌گردد که در این تحلیل، نفع به عنوان مؤلفه سازنده خطر محسوب می‌شود که بدون آن، خطر مفهومی نخواهد داشت. از همین رو می‌توان ادعا کرد وجود نفع در تعریف «خطر» مستتر است.

بنابراین هر گاه شخصی هیچ نفعی در تداوم وجود مالی نداشته باشد و درعین حال بر آن مال، بیمه‌ای منعقد سازد در واقع در حال شرط‌بندی کردن است، بدین معنی که شخص مزبور نه تنها از وقوع حادثه، ضرری متحمل نمی‌شود بلکه سودی بی‌جهت را نیز به غنیمت می‌برد؛ لذا نتیجه فقدان نفع، به شرط‌بندی بر مال دیگری می‌انجامد؛ معضلی اجتماعی که موجب بطالت، بیکاری، فساد و جنایت خواهد بود. از همین روست که ضرورت نفع قابل بیمه در حوزه قانون‌گذاری و رویه قضایی کشور انگلیس و از آنجا به سایر کشورهای سیستم کامن‌لا نفوذ پیدا کرد (Best jr, 1986).

به علاوه در تبیین یکی دیگر از ضرورت‌های نفع قابل بیمه گفته شده است که نفع قابل بیمه نه تنها مانع قماری شدن قرارداد می‌گردد بلکه می‌تواند نقش بسزایی در کاهش مخاطرات عمدی موجب ضرر داشته باشد؛ به عبارت دیگر اگر بیمه‌گذار از تداوم وجود مال بیمه‌شده منتفع گردد، در حفاظت از آن نفع خواهد کوشید درغیراین صورت و بدون نفع قابل بیمه، وی هیچ انگیزه‌ای دراین‌راستا نخواهد داشت بلکه از تلف مال، سود بیشتری به دست خواهد آورد. همین امر زمینه و محرک اقدام برای تخریب مال موضوع بیمه را فراهم آورده و اقدامی علیه نظم عمومی جامعه است (Best jr, 1986).

از همین رو گفته شده است نفع قابل بیمه در صدد مقابله با «مخاطره اخلاقی»¹ یا انگیزه ارتکاب اقدام عمدی و غیراخلاقی بیمه‌گذار برای تحقق ضرر یا افزایش میزان احتمال خسارات است.

1. Moral Hazard

اما با این همه نفع قابل بیمه با وجود نقشی که در تشکیل قرارداد بیمه، مقابله با شرط بندی و حتی جلوگیری از مخاطرات اخلاقی در حقوق بیمه بازی می کند، در انگلستان در حوزه بیمه های خسارت از بی اقبالی و کم توجهی مصون نمانده است و پس از تصویب «قانون قمار» مصوب 2005¹، حقوق مربوط به نفع قابل بیمه در بیمه های خسارت در این کشور دستخوش تغییر قرار گرفته است؛ تغییری که به قراردادهای قمار قابلیت اجرایی اعطا می کند و قمار را مانع از لازم الاجرا شدن قرارداد و مخالف با نظم عمومی تلقی نمی نماید؛ به این توجیه که قمار در حوزه بیمه به ندرت اتفاق می افتد و در صورت وقوع آن، ممنوعیت های قانونی نظیر اعلام بطلان قرارداد نمی تواند مانع آن گردد.

مقرره فوق اگرچه با بنیان های حقوقی هم خوانی ندارد و به قراردادهای قمار قابلیت اجرایی می بخشد، اما مورد تأیید قانون گذار انگلیس واقع گردیده است. از این رو برخی بر این باورند که با وضع این قانون، نفع قابل بیمه به عنوان مرز جدایی بیمه و شرط بندی از میان برداشته شده و لذا برای اعتبار قرارداد بیمه نیازی به احراز نفع وجود ندارد (The Law Commission and The Scottish Law Commission, 2008).

طراحان این دیدگاه بر این عقیده اند که تحولات مربوط به نفع بیمه ای در سال 2005 میلادی در انگلستان، هر چند موجب حذف دکترین نفع لاقفل در حوزه بیمه های خسارت غیردریایی گردیده است اما نتوانسته محدود عمل اصل جبران خسارت را در بیمه های خسارت تحت تأثیر قرار دهد. زیرا اصل جبران خسارت، حذف نفع قابل بیمه را از سیستم حقوقی توجیه می کند. به عبارت دیگر اصل جبران خسارت می تواند از یک سو با مخاطرات اخلاقی در این حوزه مقابله نماید و از سوی دیگر از قمار شدن قرارداد جلوگیری کند. در واقع با وجود بی اثر شدن نفع قابل بیمه، همچنان اصل جبران خسارت، به عنوان بنیان اساسی قراردادهای بیمه خسارت و لازمه امکان مطالبه خسارت از بیمه گر اعمال می شود. زیرا در راستای اعمال این اصل، بیمه گذار ناگزیر

1. Gambling Act, 2005

است که ورود ضرر به خود را ثابت کند و اثبات ضرر مستلزم احراز وجود حداقل «نفع» در مال بیمه شده برای بیمه گذار است.

(The Law Commission and the Scottish Law Commission 2008)

اما تحلیل فوق از سوی کمیته 17 نفره حقوق بیمه کانون وکلای لندن مورد انتقاد قرار گرفت، بدین توضیح که اولاً وضع ماده 335 قانون قمار مصوب 2005 هیچ دلالت قطعی مبنی بر حذف ضرورت شرط نفع بیمه‌ای ندارد، به علاوه هر چند اصل جبران خسارت در مقابله با مخاطره اخلاقی نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کند اما هرگز نمی‌تواند مانع تبدیل بیمه به شرط بندی گردد لذا به هیچ روی نمی‌توان به حذف شرط نفع بیمه‌ای در قرارداد اندیشید (The City Of London Law Society, 2008).

به زعم نگارنده آنچه موجب می‌شود که برخی نویسندگان حقوق انگلستان، در تعیین مرز دقیق اعمال اصل جبران خسارت و نفع قابل بیمه، اشتباه نمایند، آن است که به جای اینکه نفع را به عنوان عنصر اساسی تشکیل دهنده قرارداد و رکن ضروری احراز خطر تلقی نمایند، آن را به عنوان معیار تخمین ضرر در زمان اجرای تعهد بیمه‌ای مورد توجه قرار می‌دهند. از این رو به منظور جلوگیری از اختلاط مفهوم «نفع قابل بیمه» و «اصل جبران خسارت» لازم است که حدود اعمال این اصل و کارکرد آن در قرارداد مورد شناسایی قرار گیرد؛ توضیح آن که اصل جبران خسارت هیچ نقشی در انعقاد قرارداد ندارد بلکه تنها در لحظه اجرای تعهد بیمه‌ای، برای تعیین ضرر واقعی متحمل شده توسط بیمه‌گذار و مقابله با افزایش ناروای دارایی او، کارکرد دارد. در واقع مرحله اعمال «اصل جبران خسارت»، پس از تشکیل قرارداد و پس از احراز تمامی شرایط آن (از جمله نفع قابل بیمه)، یعنی زمان وقوع حادثه و اجرای تعهد قراردادی خواهد بود، این در حالی است که «نفع قابل بیمه» به عنوان مؤلفه تشکیل دهنده خطر لازم است در لحظه انعقاد قرارداد احراز گردد. لذا اصل جبران خسارت هیچ کارکردی برای مقابله با شرط بندی در قرارداد ایفا نمی‌کند.

از همین رو در حقوق ما سخن از حذف کامل ضرورت نفع از قرارداد یا اعطای قابلیت اجرایی به قراردادهای قماری، نه تنها مخالف مبانی حقوقی، نظم عمومی و

اخلاق حسنه جامعه و در نقض صریح ماده 654 قانون مدنی خواهد بود، بلکه فقدان آن در قرارداد با اعمال اصل جبران خسارت نیز جبران نمی‌شود.

2-2. ضرورت نفع قابل بیمه در بیمه‌های اشخاص

گاه در هنگام انعقاد قرارداد بیمه عمر، بیمه‌گذار، خطر فوت خود را بیمه می‌کند؛ بدین معنی که در صورت فوت شخص بیمه‌گذار در مدت اعتبار بیمه‌نامه، این امکان فراهم می‌شود که سرمایه بیمه به اعضای خانواده یا اشخاص تعیین شده توسط وی پرداخت گردد. اما گاهی بیمه‌شده شخصی غیر از بیمه‌گذار است؛ به عنوان نمونه بیمه‌گذار، خطر فوت بدهکار خود یا خطر فوت یکی از خویشان نزدیک را بیمه می‌کند و برای تحصیل بیمه‌نامه‌ای بر حیات ثالث اقدام می‌نماید، در این صورت در کامن‌لا این بحث اساسی مطرح شده که چه کسانی می‌توانند در چهارچوب این رابطه، نفع قابل بیمه‌ای برای خود متصور باشند؟ آیا بیمه‌گذاری که هیچ رابطه اقتصادی یا عاطفی با بیمه‌شده ندارد می‌تواند بر حیات او بیمه‌نامه تحصیل کند تا در صورت فوت او عواید بیمه به وی پرداخت گردد؟ در این فرض لزوم وجود نفع قابل بیمه برای بیمه‌گذار در حیات بیمه‌شده بیش از پیش آشکار می‌شود.

با این وجود مقنن ایرانی در ماده 23 قانون بیمه با تأسی از ماده 2-132 قانون بیمه فرانسه، وجود رضایت کتبی بیمه‌شده را شرط صحت قرارداد بیمه عمر و بیمه شکستگی عضو ثالث، قرار داده و از ضرورت وجود نفع در این حوزه سخنی به میان نیاورده است، بلکه رضایت بیمه‌شده را، جایگزین احراز نفع قابل بیمه تلقی نموده است. این در حالی است که ماده یک قانون بیمه عمر 1774 انگلیس¹ بر این نکته تأکید دارد که بیمه‌گذار باید دارای نفع در حیات بیمه‌شده باشد. با وجود این حقوق این کشور هیچ تعریفی از نفع و محدوده آن در بیمه‌های اشخاص ارائه ننموده است. لذا پیش از بحث از ضرورت نفع بیمه‌ای لازم است مختصری با مفهوم آن در حوزه

1. Life Assurance Act 1774

<<http://www.legislation.gov.uk/apgb/Geo3/14/48/contents>>, [Accessed]

بیمه‌های اشخاص آشنایی حاصل گردد.

در خصوص ماهیت و مفهوم نفع با توجه به سکوت قانون بیمه عمر انگلستان در ارائه تعریف مناسب، رویه قضایی و قوانین پس از آن، سال‌ها در پی تدوین قواعدی قابل استناد در این رابطه بوده‌اند. نتیجه این تلاش در جهت ارائه مفهومی از نفع بیمه‌ای در بیمه اشخاص، منجر به چند طبقه‌بندی اصلی برای تعیین نفع قابل بیمه گردید:

- نفع ناشی از علاقه و رابطه ذاتی و طبیعی: در حقوق انگلیس علاقه هر شخص نسبت به حیات خود یا حیات همسرش تنها مصادیق این دسته محسوب می‌شود.

خصوصیت بارز نفع در این طبقه، عدم نیاز به اثبات وجود نفع اقتصادی قابل بیمه است. روابط والدین و فرزندان از شمول این دسته خارج است. به عبارت دیگر هر چند اطفال صغیر از مرگ والدین خود متحمل ضرر مادی خواهند گردید اما در حقوق انگلستان هیچ حق قانونی برای فرزندان نسبت به دریافت نفقه از سوی والدین در نظر گرفته نشده است و در فقدان هر گونه تعهد قانونی بر عهده والدین نسبت به فرزندان و بر عکس، تصور نفع بیمه‌ای برای والدین و فرزندان در عمر یکدیگر امکان‌پذیر نیست (Birds and Hird, 2001).

- نفع ناشی از ضرر اقتصادی احتمالی که به لحاظ حقوقی بازشناسی شده است: نمونه‌های متعارف این نوع از نفع که به موجب ماده 3 قانون بیمه عمر 1774 به میزان ارزش اقتصادی آن نفع، محدود گردیده است عبارتند از:

- نفع طلبکار در حیات بدهکار خود به میزان طلب مورد ادعا؛ در حقوق بیمه انگلستان ثابت گردیده است که طلبکار در حیات بدهکار خود نفع بیمه‌ای دارد؛ زیرا مرگ وی می‌تواند بر طلبکار، ضرری مالی تحمیل کند (Birds and Hird, 2001).

- نفع کارفرما در حیات کارمند کلیدی‌اش به میزان ارزش دوران استخدام وی از بابت هزینه‌های احتمالی مربوط به استخدام نیروی تازه، تعلیم نیروهای جدید و جایگزینی آن: بدین توضیح که از آنجایی که هر کارفرما از تداوم حیات نیروهای کلیدی‌اش سود می‌برد و از دست دادن چنین نیروهایی موجب ایجاد هزینه‌های قابل ملاحظه برای

کارفرما خواهد بود، لذا در تحصیل بیمه‌نامه بر حیات آنها دارای نفع قابل بیمه تلقی می‌شود.

ضابطه این دسته از نفع، مالی بودن و قابل ارزیابی بودن آن به پول است ضمن اینکه این نفع باید به لحاظ حقوقی در دادگاه‌های کامن‌لا مورد تأیید و شناسایی قرار گرفته باشد (Birds and Hird, 2001).

- نفع ناشی از مقررات قانونی: از مصادیق این نوع از نفع می‌توان به ماده 11 «قانون مالکیت زنان متأهل مصوب 1882»¹ اشاره کرد که در آن به هر زن متأهلی اجازه می‌دهد که به سود خود بر عمر همسرش قرارداد بیمه منعقد کند.²

بنابراین با توجه به رویه قضایی و دکترین مورد اقبال در انگلیس، نفع قابل بیمه به استثنای روابط زوجین باید بر پایه‌ای مالی استوار باشد. از این رو صرف روابط فامیلی و خونی، مؤید وجود نفع نخواهد بود. لذا والدین و فرزندان بالغ آنان حقی برای بیمه کردن بر حیات یکدیگر ندارند مگر آنکه ظاهراً از رابطه آنان وجود نفع مالی احراز گردد یا مقرره‌ای قانونی چنین نفعی را مفروض بداند. اما در ایالات متحده مفهوم نفع در بیمه‌های اشخاص با محدودیت‌های کمتری روبرو بوده است و بسیاری از قوانین ایالتی آمریکا صراحتاً روابط خونی و عاطفی را موجد نفع بیمه‌ای تلقی نموده‌اند. چرا که به زعم آنها این رابطه معنوی و غیرمادی به نحو مؤثرتری نسبت به ملاحظات مادی، می‌تواند حامی حیات بیمه‌شده باشد (Best jr, id).

پس از آشنایی اجمالی با مفهوم نفع بیمه‌ای در بیمه‌های اشخاص لازم است به بررسی ضرورت آن در قرارداد بیمه پرداخته شود.

هر چند یکی از دلایل ضرورت نفع در قرارداد بیمه، مقابله با مخاطره اخلاقی است (Patterson, 1918)، اما به زعم نگارنده مقابله با سوء قصد ذی‌نفعان بیمه، علیه حیات بیمه‌شده، به صرف تعبیه شرط نفع قابل بیمه یا اعلام بطلان قرارداد بیمه، محقق

1. Married Women's Property Act, 1882.

2. [http://www.legislation.gov.uk/ukpga/Vict/45-46/75/section/11\(12/18/2012\)](http://www.legislation.gov.uk/ukpga/Vict/45-46/75/section/11(12/18/2012))

نخواهد شد. زیرا وجود قوانین و مقررات جزایی و نیروهای امنیتی، خود می‌تواند به بازدارندگی از مخاطرات اخلاقی کمک نموده و مؤثرتر از شرط نفع، از ارتکاب قتل و عمل مجرمانه علیه بیمه‌شده جلوگیری نماید. آنچنان که بند دو ماده 9 از شرایط عمومی قرارداد نمونه بیمه عمر در ایران (بابایی، 1387) یا به عنوان نمونه «قانون قراردادهای بیمه‌ای آلمان»، ضمن جایگزینی رضایت بیمه‌شده، از روش بازدارنده دیگری نیز برای مقابله با این مخاطره اخلاقی بهره‌جسته‌اند. ماده 162 این قانون هرگونه سوء قصد و سلب حیات عمدی بیمه‌شده از سوی بیمه‌گذار یا ذی‌نفع بیمه‌نامه عمر را از موجبات محرومیت اشخاص اخیر از عواید بیمه‌نامه و معافیت بیمه‌گر از تعهدات قراردادی خود اعلام می‌کند. (Insurance Contract, 2008)

لذا بر خلاف آنچه تصور می‌شود نفع قابل بیمه نقش چندانی برای مقابله با مخاطره اخلاقی ایفا نمی‌کند بلکه در واقع نقش اصلی نفع قابل بیمه را می‌توان در تشکیل قرارداد و مقابله با شرط‌بندی در بیمه دانست. برخی نظام‌های حقوقی همچون حقوق بیمه ایران، «رضایت بیمه‌شده» را به عنوان معیار جایگزین نفع قابل بیمه در نظر گرفته‌اند؛ این در حالی است که رضایت بیمه‌شده نمی‌تواند هدف و ضرورت اصلی نفع قابل بیمه (یعنی مقابله با شرط‌بندی) را تأمین نماید. زیرا رضایت بیمه‌شده ثالث تنها به معنی رابطه‌ی اجتماعی مبتنی بر اعتماد بین بیمه‌گذار و بیمه‌شده است. چنین رابطه‌ای، به ما اجازه نمی‌دهد که نفع قابل بیمه‌ای را برای بیمه‌گذار مفروض بدانیم. رضایت بیمه‌شده تنها نشان می‌دهد که ثالث به دلیل احساس علاقه یا دلایل دیگر، با انعقاد قرارداد بیمه بر عمر خود موافقت نموده است. اما این رابطه عاطفی موجب رضایت، لزوماً دو طرفه نیست. اگر بیمه‌گذار هیچ پیوند مادی یا معنوی با بیمه‌شده نداشته باشد، هیچ نفعی در حیات او نخواهد داشت، پس نفعی قابل بیمه و در معرض خطر برای او متصور نیست. در این حالت بیمه‌گذار حتی با وجود رضایت بیمه‌شده در حال انعقاد قرارداد بر حیات ثالثی است که هیچ نفعی در آن حیات ندارد و این قرارداد را نمی‌توان بیمه تلقی کرد.

در واقع رضایت بیمه‌شده، نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای نفع قابل بیمه تلقی شود بلکه صرفاً در جهت مقابله با مخاطره اخلاقی، کارایی دارد. بدین معنی که بیمه‌شده تنها زمانی که از میزان درجه پیوند عاطفی بیمه‌گذار با خود مطمئن شود به او رضایت می‌دهد تا بر عمرش بیمه تحصیل کند و تا زمانی که اطمینان حاصل نکند که بیمه‌گذار از تحصیل قرارداد بر عمر او، قصد خاصی برای دستیابی به عواید بیمه ندارد، رضایت‌نامه را امضا نمی‌کند.

البته تحمیل شرط رضایت بیمه‌شده، گاه می‌تواند مسائل و مشکلاتی چند را به همراه آورد. به عنوان نمونه در مواردی که بیمه‌شده حتی با وجود نفع معتبر در حیات خود، نسبت به تحصیل بیمه‌نامه، رضایت نداشته باشد، چه باید کرد؟ آیا به صرف عدم رضایت بیمه‌شده باید از انعقاد قرارداد بیمه انصراف داد؟

یا عملاً در وضعیت‌های تجاری، در صورتی که به‌طورمثال بانک، قصد بیمه بر حیات بدهکارانش را داشته باشد یا کارفرمایی بخواهد حیات کارمندان کلیدی‌اش را بیمه کند، تحصیل رضایت بیمه‌شده، باری اضافه بر دوش بیمه‌گذار تحمیل می‌کند در صورتی که در موارد فوق، شائبه مخاطره اخلاقی تقریباً به صفر می‌رسد.¹

با وجود مشکلات احتمالی فوق به نظر نگارنده، جمع هر دو شرط در کنار هم می‌تواند به نحو مؤثرتری اهداف نفع قابل بیمه را تأمین کند؛ بدین معنی که در واقع ضرورت وجود رضایت بیمه‌شده در بیمه‌های اشخاص نه از حیث مقابله با قمار شدن قرارداد، بلکه به عنوان یک شرط اخلاقی باید هم‌زمان با وجود نفع، احراز گردد؛ زیرا این منصفانه نیست که قراردادی بر مرگ یا هستی دیگری ولی بدون رضایت او امکان

1. به همین دلیل حقوق بیمه‌کانادا، تنها رضایت بیمه‌شده را به عنوان گزینه جایگزین در مواردی اعمال می‌کند که نتواند نفع مادی یا ذاتی قابل بیمه‌ای را در قرارداد احراز کند. رک به:

Insurance Act, R.S.O.1990. R.S.O. 1990, CHAPTER I.8, (Ontario) s.178(2),
<http://www.elaws.gov.on.ca/html/statutes/english/elaws_statutes_90i08_e.htm#BK169> [Accessed]

تحقق داشته باشد. لذا به نظر می‌رسد تلفیق این دو شرط در قراردادهای بیمه‌ای اشخاص، ضمن حفظ جنبه تأمینی آن و مقابله با شرط‌بندی در قرارداد، از ملاحظات اخلاقی نیز برخوردار بوده و نقش بسزایی در کاهش مخاطرات اخلاقی در این حوزه خواهد داشت.

3. ضمانت اجرای فقدان نفع قابل بیمه

3-1. بیمه‌های خسارت

با توجه به سکوت قانون ایران در رابطه با ضمانت اجرای فقدان نفع در قرارداد بیمه خسارت، در این قسمت به بررسی ضمانت اجراهای احتمالی خواهیم پرداخت.

3-1-1. بطلان

- بطلان در حقوق ایران

با توجه به ضرورت‌های نفع قابل بیمه در این بخش لازم است ضمانت اجرای حقوقی فقدان آن در قرارداد را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. قانون‌گذار ایران در خصوص ضمانت اجرای فقدان نفع در بیمه‌های خسارت، مقرره‌ای را وضع ننموده است. سکوت قانون در تدوین آثار حقوقی ناشی از فقدان نفع، با وجود تأکید بر ضرورت وجود آن در قانون بیمه مصوب 1316، قابل انتقاد به نظر می‌رسد. ماده 4 این قانون مقرر می‌دارد: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی، مشروط بر اینکه بیمه‌گذار نسبت به بقاء آنچه بیمه می‌دهد، ذی‌نفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن، بیمه‌گذار متضرر می‌گردد»

با توجه به این امر لازم است تا با توجه به مبانی موجود در نظام حقوقی کشور، بهترین و مؤثرترین ضمانت اجرا برای تأمین اهداف قانون‌گذار از تدوین این ماده مورد تحلیل قرار گیرد.

بی‌تردید انواع ضمانت اجراهای حقوقی نظیر بطلان و عدم نفوذ، قواعدی هستند که در قوانین برای انعقاد و اعتبار عقد مقرر شده‌اند که یکی از طرق تشخیص اعمال هر

یک، توجه به هدف و مقصود غایی قانون‌گذار در تعیین هر یک از آنهاست. «بی‌تردید هر جا حمایت از حقوق و منافع عمومی در میان باشد و در حکومت اراده با مصالح اجتماعی تزامنی پدیدار شود، بطلان، اولین و اساسی‌ترین ضمانت اجرا خواهد بود و بی‌گمان تنفیذ قرارداد امکان ندارد و تنها آنگاه که منافع شخص معینی ایجاب کند سرنوشت عقد به اراده او سپرده می‌شود.» (کاتوزیان، 1385 الف).

در فرضی که شخص ثالثی غیر از دارنده واقعی نفع قابل بیمه، اقدام به تحصیل بیمه‌نامه بر مال موضوع بیمه نماید ممکن است این ایراد مطرح گردد که از آنجا که شخص مزبور هیچ رابطه حقوقی با مال ندارد از این رو نمی‌تواند واجد نفعی قابل بیمه تلقی شود. در این صورت این پرسش قابل طرح است که برخورد قانونی مناسب با قرارداد بیمه منعقدشده چگونه خواهد بود؟

پیش از پاسخ به این سؤال لازم است موضع حقوق فرانسه را به عنوان یکی از خاستگاه‌های اصلی قانون بیمه ایران مورد بررسی قرار دهیم. در حقوق این کشور با وجود سکوت قانون در رابطه با ضمانت اجرای فقدان نفع در بیمه خسارت، به قصد مقابله با شرط‌بندی اشاره گردیده و با تصریح به ضرورت نفع، نبود آن موجب بطلان قرارداد دانسته شده است. به زعم حقوقدانان فرانسوی در واقع بیمه‌گذار بدون نفع، در صورت وقوع حادثه در معرض هیچ خطری قرار نمی‌گیرد و تنها در صدد تحصیل بیمه‌نامه به سود خود صرف‌نظر از قصد تأمین حمایتی آن است. این موضوع که بیمه‌گذار بدون نفع با تحصیل بیمه‌نامه، سود خود را تأمین می‌کند، قابل انکار نیست اما این نفع در واقع نتیجه و اثر قرارداد است نه علت و انگیزه غایی آن. به عبارت بهتر قانون‌گذار فرانسه با ضروری دانستن نفع در قرارداد بیمه درصدد مسدود کردن تمامی راه‌های شرط‌بندی در قرارداد بیمه بوده است (Groutel and Leduc, 2008). در واقع بیمه‌گذار بدون نفع، سودی به غنیمت می‌برد اما نه در جهت حفظ مال که در اتلاف آن و وقوع حادثه.

در حقوق فرانسه و در تئوری مدرن بطلان قرارداد، یکی از معیارهای تعیین ضمانت اجرای مقرر برای اعمال حقوقی، تمسک به قواعد مربوط به نظم عمومی و بررسی

نقض یا عدم نقض آن، از سوی طرفین قرارداد است. در این کشور چنانچه نقض قاعده حقوقی، نفع عمومی را مختل نماید قرارداد با «بطلان مطلق»¹ مواجه می‌شود و چنانچه با نفع خصوصی و منافع شخصی افراد برخورد کند با ضمانت اجرای «بطلان نسبی»² مواجه خواهد گردید.

در حالی که در تئوری کلاسیک بطلان، هرگاه یکی از شرایط اساسی قرارداد نقض گردد، قرارداد محکوم به بطلان مطلق خواهد بود و چنانچه شرایط ضروری قرارداد جمع بوده و تنها نقضی در آن حادث شود (عدم رضایت)، این موضوع به بطلان نسبی قرارداد خواهد انجامید (Provost, 2009).

اینکه نفع بیمه‌ای زیرمجموعه کدام یک از شرایط فوق باشد در حقوق فرانسه محل بحث قرار گرفته است. اگر نفع بیمه‌ای را به عنوان شرط سازنده خطر تلقی کنیم، ضمانت اجرای فقدان نفع منطقیاً همان ضمانت اجرای نبودن خطر در قرارداد خواهد بود. در حقوق این کشور نفع در عدم وقوع خطر، موضوع تأمین بیمه‌گر است (Proust, 2009)؛ عبارات ماده 6-121 قانون بیمه فرانسه منبعت از «قانون راجع به قرارداد بیمه» مصوب 1930³ این موضوع را تأیید می‌کند: «هر شخصی که در حفظ مال نفع دارد می‌تواند بیمه تحصیل کند. هر نفع مستقیم یا غیرمستقیم در عدم وقوع خطر می‌تواند موضوع بیمه واقع شود.» (Code des Assurances, 1995).

ملاحظه می‌شود که نفع در حقوق این کشور با توجه به ماده فوق به عنوان «موضوع قرارداد بیمه»⁴ در نظر گرفته شده است: «هر نفع مستقیم یا غیر مستقیم، می‌تواند موضوع بیمه قرار گیرد...» همین امر سبب شده است تا تعاریف دکتربین این کشور نیز گاه به سمت و سوی تلفیق مفهوم نفع با موضوع قرارداد متمایل شود (Groutel and Leduc, 2008). بدین ترتیب قرارداد بدون موضوع در واقع از شرط

1. Nullité Absolue

2. Nullité Relative

3. LOI DU 13 JUILLET 1930 relative au contrat d'assurance. available at : <http://www.comores-droit.com> (6/3/2012)

4. Objet de l'assurance

ضروری برای ایجاد، محروم می‌شود¹ و در فقدان شرط اعتبار قرارداد، بطلان مطلق، بهترین ضمانت اجراست.

نفع بیمه‌ای به عنوان شرط تشکیل‌دهنده خطر در قرارداد بیمه، در حقوق ما نیز می‌تواند تحت عنوان موضوع قرارداد مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا ماده 4 قانون بیمه ایران مقرر می‌دارد: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد ... یا هر حق مالی...»

از همین رو نفع مستند به ماده 190 قانون مدنی می‌تواند از عناصر اساسی تشکیل قرارداد محسوب گردد که فقدان آن به نبود موضوع برای قرارداد منتهی می‌شود و قرارداد به علت نداشتن موضوع، باطل اعلام می‌گردد.

توجیه بطلان قرارداد بدون نفع از منظری دیگر نیز قابل طرح است؛ تحصیل بیمه‌نامه از سوی شخص فاقد نفع، قرارداد بیمه را به ابزاری برای پوشش شرط‌بندی مبدل خواهد کرد که مستنداً به ماده 654 قانون مدنی از اسباب بطلان آن خواهد گردید و کلیه دعاوی راجع به آن قابلیت استماع نخواهد داشت.

حتی‌گاه می‌توان از این هم فراتر رفت و قائل شد که در قراردادی که بر اساس نفع بیمه‌ای و اصل غرامت منعقد نشده باشد، حسن نیت بیمه‌گذار، محل تردید است و امکان تقلب و تدلیس از ناحیه او قابل تصور خواهد بود (مشایخی، 1349) و به تبع می‌توان ضمانت اجرای سختگیرانه ماده 12 قانون بیمه را بر این قرارداد تحمیل کرد و پس از اعلام بطلان قرارداد، بیمه‌گذار را از مطالبه حق بیمه‌های پرداختی نیز محروم نمود. لذا محتمل است که عدم وجود نفع بیمه‌ای و مخفی نگه داشتن این نقصان را از مصادیق اعمال این ماده تلقی کنیم. بدیهی است برای احراز چنین سوءنیتی، پاسخ‌های بیمه‌گذار به سؤالات بیمه‌گر در تقاضانامه بیمه می‌تواند ملاک عمل قرار گیرد.

1. Article 1108 de code civil, available at:

<http://www.legifrance.gouv.fr/affichCodeArticle.do?cidTexte=LEGITEXT000006070721&idArticle=LEGIARTI000006436119&dateTexte=20120830> (7/12/2012)

اما به نظر می‌رسد اعمال ماده 12 قانون بیمه به راحتی امکان‌پذیر نیست. اینکه آیا حقیقتاً هدف اصلی و مستقیم بیمه‌گذار، انعقاد قرارداد بیمه برای پوشش معامله‌ای قماری بوده است و اینکه به صورت ضمنی یا با توجه به اوضاع و احوال قضیه بتوان تحصیل بیمه‌نامه را اماره‌ای بر انگیزه نامشروع و غیر اخلاقی بیمه‌گذار تلقی کرد، با توجه به اصل حسن نیت در قرارداد، استنباط آسانی نیست و این امر، بار سنگینی را برای اثبات سوءنیت بیمه‌گذار، بر بیمه‌گر تحمیل می‌کند.

- بطلان در حقوق انگلستان

در حقوق انگلیس تا پیش از تردیدهای ناشی از تصویب ماده 335 قانون قمار 2005، نبودِ نفع در قرارداد بیمه، نوعی مخالفت با نظم عمومی اساسی تلقی می‌شد و از این رو هرگاه بیمه‌گذار فاقد چنین نفعی بود قرارداد «غیر قابل الزام» و «باطل» اعلام می‌گردید.

ماده 4 قانون بیمه دریایی 1906 صراحتاً اعلام می‌دارد: «هر قرارداد بیمه دریایی به صورت قمار یا شرط‌بندی باطل است. قرارداد بیمه در صورتی مشمول این حکم قرار می‌گیرد که:

- بیمه‌گذار از نفعی قابل بیمه مطابق با تعریف این قانون، برخوردار نباشد یا قرارداد را بدون انتظار تحصیل چنین نفعی منعقد سازد؛

- بیمه‌نامه به صورت مطلق صرف‌نظر از «وجود یا عدم وجود نفع» یا «بدون اثبات نفعی غیر از خود بیمه‌نامه» یا «بدون تصور سودی از مطالبه خسارت از بیمه‌گر» منعقد گردد.¹

براین اساس تمامی بیمه‌نامه‌های قماری و شرط‌بندی و بیمه‌نامه‌هایی با شرط «بیمه‌نامه دلیل وجود نفع»² فاقد اعتبار قانونی خواهد بود. به علاوه صرف‌نظر از مقرر فوق، بیمه‌نامه «دلیل وجود نفع» به دلیل مغایرت با نظم عمومی محکوم به بطلان است.

1. <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/Edw7/6/41/section/4>, (4/2/2012)

2. Policy Proof of Interest (P.P.I.)

با وجود برخی ضرورت‌های تجاری برای بیمه‌نامه‌های با شرط «بیمه‌نامه دلیل وجود نفع»، دادگاه‌های انگلستان با موضعی سختگیرانه هرگونه قدرت الزام‌آوری را از آنها سلب می‌کنند، به‌نحوی که بیمه‌نامه‌های مزبور تنها به عنوان تعهدی طبیعی و به لحاظ اعتباری قابلیت اجرایی دارد. لذا در مواردی که وجود شرط مزبور حتی در اثنای رسیدگی، مورد ایراد بیمه‌گر نیز قرار نگرفته باشد، دادگاه‌ها به دلیل ملاحظات مربوط به قماری شدن قرارداد، از اعطای اعتبار به این بیمه‌نامه‌ها اجتناب می‌کنند. نتیجه آنکه بیمه‌نامه‌های ناقض نظم عمومی از سوی دادگاه قابل الزام و اجرا نبوده و باطل تلقی می‌شود. از این‌رو دادگاه‌ها غالباً بیمه‌نامه‌هایی را که دربردارنده شرط «تمام منافع تأیید شده» است، باطل اعلام می‌کنند.

(Berridge v. The Man On Insurance Co.(1887) 18 Q. B. D. 346, Cited in: Porter, Craies & Morgan, 1933)

لذا در حقوق انگلستان تا پیش از قانون قمار مصوب 2005، ادعای عدم وجود نفع، ایرادی بود که نه تنها از سوی بیمه‌گر قابل استناد بود بلکه حتی دادگاه نیز رأساً می‌توانست آن را ملاک بی‌حقی خواهان در دعوا قرار دهد. به زعم برخی نویسندگان حتی در فرضی که بیمه‌گر از استناد به عدم مشروعیت قرارداد بیمه، چشم‌پوشی می‌کند و در فقدان هرگونه نفعی به بیمه‌گذار مبالغ بیمه را می‌پردازد، این به معنی تجویز بیمه‌نامه‌های فاقد نفع تلقی نمی‌شود زیرا قوانین بیمه انگلستان چنین قراردادی را باطل اعلام می‌کنند و ضمن تکلیف دادگاه‌ها به توجه به این ایراد، به طرفین اجازه انصراف از اعمال قانون را نمی‌دهند (Macgillivray, 1990).

3-1-2. عدم نفوذ

در کنار تحلیل‌های فوق، در حقوق ما امکان تمسک به ضمانت اجرای عدم نفوذ در قراردادهای فاقد نفع، خالی از وجه به‌نظر نمی‌رسد. در خصوص معیار تمیز عقد «غیر نافذ» و «باطل»، گفته شده است که در مواردی که عقد با نظم عمومی یا اخلاق برخورد نماید باید آن را در حکم موردی انگاشت که نفوذ عقد از نظر عقلی ممنوع است. اما

در مواردی که در ارکان عقد، عیبی حاصل شود یا عمل حقوقی به دلیل حفظ منافع اشخاص ثالث و مصلحت غیر، از نفوذ باز می‌ایستد، عدم نفوذ بهترین ضمانت اجرا محسوب می‌شود (کاتوزیان، 1385 ب).

از این رو به نظر می‌رسد که راه حل ثانوی در جهت تعیین ضمانت اجرای تحصیل بیمه‌نامه اشیاء بر نفع متعلق به غیر، تمسک به قواعد حاکم بر معاملات فضولی است. در این راستا نفع بیمه‌ای را می‌توان در ذیل مبحث مربوط به سیمت در قرارداد مورد بررسی قرار داد. توضیح آنکه در هر قرارداد لزومی ندارد، طرف معامله برای خود معامله کند و اصیل باشد؛ در بسیاری از قراردادها، این امکان وجود دارد که دو طرف یا یکی از آنها به نمایندگی در تراضی شرکت کنند.

گاه دیده می‌شود که شخصی عمداً یا به موجب اشتباه و بدون داشتن نمایندگی، برای دیگری معامله می‌کند. بی‌گمان چنین معامله‌ای نفوذ حقوقی ندارد، لیکن آثاری بر جا می‌گذارد که تحلیل آن با نظریه نمایندگی ممکن است (کاتوزیان، 1385 الف).

به طور کلی معاملات فضولی به لحاظ تحلیل اراده فضول به دو گروه قابل تقسیم است: معاملاتی که از طرف فضول و در واقع به نام و حساب مالک و برای او انجام می‌گیرد و تابع قسمت اخیر ماده 674 قانون مدنی و نوعی نمایندگی فضولی بوده و تنها با اجازه بعدی مالک، می‌توان تعهد به پرداخت حق بیمه و سایر تکالیف قراردادی را بر او تحمیل کرد (کاتوزیان، 1385 ب).

گاه عقد تنها به عنوان رابطه‌ی میان دو دارایی، مورد نظر قرار می‌گیرد و در آن بر جابه‌جایی عوضین از دارایی دو طرف بیش از صلاحیت معامله‌کننده فضولی توجه می‌شود؛ بدین معنی که حتی به معاملاتی که از طرف فضول و به نام و حساب خود او و نسبت به عین خارجی متعلق به دیگری واقع می‌گردد، چهره‌ای از نمایندگی اعطا می‌شود تا جایی که ماده 197 قانون مدنی بر خلاف مبنای حکومت اراده بر عقد، اعلام می‌دارد: «در صورتی که ثمن یا مثن معامله، عین متعلق به غیر باشد، آن معامله برای صاحب عین خواهد بود». در این صورت اجازه مالک به طور مستقیم به معامله باز

می‌گردد و توجهی به صلاحیت معامله‌کننده نمی‌شود و نفوذ معامله در دارایی مالک، با رضای بعدی او تأمین می‌شود (کاتوزیان، 1385 الف).

در فرض تحصیل بیمه‌نامه بر نفع متعلق به غیر نیز همین وضعیت قابل تصور است. در واقع بیمه‌گذار بدون نفع را می‌توان در حکم فضول و تابع احکام آن تلقی کرد. بدین معنی که شخص مزبور نسبت به نفع متعلق به غیر، قراردادی منعقد کرده و از این جهت اقدام او، نوعی تصرف فضولی به حقوق مالی صاحب نفع فرض می‌شود و قرارداد بیمه تنها با اعلام رضایت بعدی مالک، برای او محسوب می‌گردد. در این صورت عمل حقوقی بیمه‌گذار فضولی، نسبت به دارایی دارنده واقعی نفع و پس از اعلام رضایت وی، برای او محسوب می‌شود و مستقیماً به دارایی او می‌پیوندد.

در همین رابطه در سال 1993 رأیی در فرانسه صادر شد که بعد از صدور آن، برخی نویسندگان به عنوان مصداقی از نمایندگی قانونی در رابطه با نفع بیمه‌ای، از آن یاد کردند.

پرونده مربوط می‌شد به قرارداد بیمه‌ای که از سوی شوهری نسبت به جواهرات همسرش منعقد شده بود تا جواهرات مزبور را در مقابل خطر سرقت، تحت پوشش قرار دهد. پس از وقوع خطر مورد بیمه و استنکاف بیمه‌گر از تعهدات قراردادی، بیمه‌گذار برای مطالبه مبالغ خسارت، در دادگاه اقامه دعوا کرد. دادگاه به استناد تصرف خواهان در مال بیمه‌شده، مبادرت به صدور رأی علیه شرکت بیمه کرد و ایراد بیمه‌گر را در خصوص فقدان نفع برای بیمه‌گذار، مردود دانست. دادگاه اعلام نمود که تصرف خواهان موجب نفع قابل بیمه برای وی محسوب می‌شود و او را در دعوای مطالبه علیه بیمه‌گر مستحق معرفی کرد (Povost, 2009).

نویسندگان حقوق فرانسه غالباً توجیه دادگاه در این قضیه را قابل خدشه تلقی می‌کنند. زیرا در این مورد تنها جواهرات مورد ادعا، پس از جدایی زوجین، در منزل زوج به جا مانده بود و وی هیچ تصرفی در آن به لحاظ حقوقی نداشت. از این رو برخی بر این باورند که «اگر به زعم دادگاه، قرارداد بیمه معتبر است و به بیمه‌گذار فاقد نفع،

اجازه مطالبه خسارت و نگهداری وجوه آن را اعطا می‌کند، این اعتباربخشی، باید به طریقی توجیه شود؛ راه حل پیشنهادی، اعطای «نماینده‌گی قانونی»¹ قرارداد به بیمه‌گذار است.»

.(Groutel and Leduc, 2008)

در حقوق انگلیس نیز در مواردی که قرارداد بیمه، بدون اطلاع یا رضایت صاحب نفع منعقد می‌گردد، دکتترین «تفید»² اعمال می‌شود. اما تمسک به دکتترین مزبور مستلزم آن است که بیمه‌گذار فاقد نفع از طرف شخص اصیل (دارنده نفع)، قرارداد بیمه را منعقد نموده باشد. به عبارت دیگر شرط اساسی اعمال دکتترین «تفید» آن است که فصول از طرف خود عمل نکرده و قصد ملتزم نمودن اصیل معین یا قابل تعیین را داشته باشد. به بیان بهتر تنها در صورتی که در زمان انعقاد قرارداد رابطه‌ی نمایندگی بر طرف معامله آشکار شود، می‌توان به امکان تفید بعدی قرارداد امیدوار بود در غیر این صورت اصیل افشا نشده پس از انعقاد قرارداد نمی‌تواند عمل فصول را اجازه کند بلکه در این فرض فصول شخصاً مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود (Schmitthoff, 1988).

از این رو ملاحظه می‌شود که دکتترین «تفید» در مواردی که بیمه‌گذار فصولی قصد انعقاد قرارداد از طرف خود را دارد، قابل اعمال نیست و لذا در فرض اخیر، توجیه عدم نفوذ از طریق قواعد مربوط به دکتترین مزبور، امکان‌پذیر نمی‌باشد. در حقوق انگلستان حتی در مواردی نیز که بیمه‌گذار فصولی با افشای نمایندگی خود، قرارداد بیمه منعقد می‌کند موضوع مورد اختلاف دیگری در رابطه با زمان امکان تفید قرارداد بیمه مطرح می‌گردد: در حقوق این کشور در بیمه دریایی، تفید قرارداد از سوی اصیل پس از اطلاع از ضرر امکان‌پذیر است، این در حالی است که در حوزه بیمه‌های غیردریایی تفید قرارداد تنها تا پیش از وقوع ضرر قابل تحقق است و پس از

-
1. Exécuteur Légitime
 2. Ratification

آن اثری ندارد (Birds & Hird, 2001).

لذا برخی نویسندگان این کشور موضع متفاوت رویه قضایی انگلستان را در این دو حوزه، قابل انتقاد می‌دانند و معتقدند که قاعده مزبور باید به خطرات غیردریایی نیز تسری یابد.¹

اما با وجود تحلیل‌های فوق امکان پذیرش ضمانت اجرای عدم نفوذ و اعمال ماده 197 قانون مدنی با مانعی حقوقی روبروست. چه آنکه در واقع ماده مزبور در رابطه با انعقاد قرارداد بر عوض متعلق به دیگری است حال آنکه در قرارداد بیمه، عوضین غیر از نفع بیمه‌ای است؛ به عبارت بهتر عوضین قرارداد در حقیقت «حق بیمه» و «تأمین» است که حق بیمه را بیمه‌گذار می‌پردازد و تأمین، معوضی است که بیمه‌گر، تعهد به ارائه آن دارد. لذا انعقاد قرارداد از سوی شخص فاقد نفع بر نفع متعلق به غیر مستلزم انعقاد قرارداد بر عوض متعلق به دیگری نیست تا مشمول قواعد فضولی موضوع ماده‌ی 197 قرار گیرد. از این رو تنفیذ دارنده نفع نمی‌تواند بر نفوذ قرارداد تأثیر بگذارد و به تداوم حیات آن منتهی شود.

2-3. ضمانت اجرای فقدان نفع قابل بیمه در بیمه‌های اشخاص

فقدان نفع حتی در سیستم‌های حقوقی‌ای که از معیارهای جایگزین نفع (مانند رضایت بیمه شده) استفاده نموده‌اند، به بطلان قرارداد بیمه نظر دارد. در این بند لازم است موضع هر یک از دو نظام حقوقی در رابطه با نفع بیمه‌ای و معیار جایگزین آن به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد.

1. این دیدگاه منطبق با رویه قضایی کشورهای کانادا و آمریکا است که تنفیذ قرارداد را حتی پس از ورود ضرر، تأیید و تجویز می‌نمایند. ر. ک به:

3-2-1. نظام‌های مبتنی بر رضایت

همان‌طور که در مقدمه نیز گفته شد در حقوق ایران، بحث از نفع بیمه‌ای در حوزه اشخاص، مسکوت مانده و تنها به کسب رضایت کتبی بیمه‌شده در بیمه‌های عمر یا نقصان یا شکستگی عضو ثالث، اکتفا شده است تا جایی که فقدان چنین نفعی، به بطلان قرارداد بیمه می‌انجامد.

در اینجا لازم است به تنویر مفهوم «بطلان» در ماده 23 قانون بیمه در رابطه با ضمانت اجرای فقدان رضایت، پرداخته شود. در این ماده چنین آمده است: «بیمه عمر یا بیمه نقصان یا شکستن عضو شخص دیگری، در صورتی که آن شخص قبلاً رضایت خود را کتباً نداده باشد، باطل است».

قانون بیمه ما در این بخش نیز از ماده 2-132 قانون بیمه فرانسه اقتباس گردیده است، در این ماده نیز صراحتاً در برخورد با قراردادهای بیمه خطر فوت یا شکستگی عضو ثالث که بدون رضایت‌نامه کتبی بیمه‌شده تحصیل گردیده از ضمانت اجرای «بطلان»¹ سخن به میان آمده است.

سؤالی که در رابطه با ضمانت اجرای مصرح در این ماده به ذهن متبادر می‌شود آن است که آیا مفهوم بطلان در این ماده به معنای بی‌اعتباری مطلق و غیر قابل بازگشت قرارداد است؟ یا به بطلان در معنای عدم نفوذ نظر داشته است. بررسی مصالح و مقاصد قانون‌گذار در تدوین این ماده می‌تواند راه‌گشا باشد.

در ابتدای امر به نظر می‌رسد که استنباط عدم نفوذ از این ماده به تداوم قراردادهای بیمه عمر که ابزار مهم اقتصادی و وسیله‌ای در جهت سرمایه‌گذاری و پس‌انداز بیمه‌گذار محسوب می‌شود، کمک می‌نماید و به بیمه‌شده این اختیار را اعطا می‌کند که با تنفیذ قرارداد بیمه‌ای که بدون رضایت قبلی او منعقد شده و در شرف بطلان است، حیات حقوقی بخشد و به لحاظ اقتصادی انگیزه سرمایه‌گذاری در این عرصه را با اعلام بی‌اعتباری قرارداد، در نطفه بی‌اثر نسازد و برای طرفین قرارداد این امکان را

1. Nullité

فراهم آورد که با اجازه بعدی بیمه شده، همچنان به آثار حقوقی ناشی از بیمه پایبند بماند و به علاوه برای بیمه گر مجال سوءاستفاده از استناد به عدم وجود رضایت نامه بیمه شده برای شانه خالی کردن از تعهدات بیمه‌ای اش را فراهم نیاورد.

با وجود مزایایی که می‌توان در غیر نافذ تلقی کردن چنین قراردادی بدان دست یافت اما استنباط عدم نفوذ با وجود تصریح قانونی در این رابطه به راحتی امکان پذیر نیست. ظاهر ماده 23 قانون بیمه ایران از یک سو و اغراض قانون گذار از لزوم احراز رضایت بیمه شده از سوی دیگر، احتمال عدم نفوذ بیمه‌های عمر شخص ثالث را کم رنگ می‌سازد تا جایی که می‌توان ادعا کرد که فلسفه رضایت بیمه شده در این نوع از قرارداد مقابله با هرگونه وسوسه سوء قصد احتمالی بیمه گذار و حفظ نظم عمومی جامعه است که نمی‌توان تعیین تکلیف چنین قراردادی را به اراده اشخاص واگذار کرد. از این رو باید بر آن بود که فقدان رضایت بیمه شده در حقوق ما به بطلان در معنای اخص کلمه می‌انجامد.

2-2-3. نظام‌های مبتنی بر احراز نفع قابل بیمه

به طور کلی در کامن لا قراردادهای بیمه عمر از جهت قابلیت یا عدم قابلیت بقا به قراردادهای «باطل» و «قابل ابطال» تقسیم می‌شود. بیمه عمری که به وسیله شخص فاقد نفع خریداری می‌شود در گروه اول قرار گرفته و به موجب ماده یک قانون بیمه عمر 1774 انگلستان از ابتدا باطل اعلام می‌شود.¹ در این صورت تمام حق بیمه‌های پرداختی به دارنده بیمه نامه مسترد می‌گردد و از سوی دیگر بیمه گران را به هیچ روی نمی‌توان به پرداخت منافع ناشی از مرگ بیمه شده ملتزم نمود.

به نظر می‌رسد از آنجایی که نفع قابل بیمه در بیمه‌های اشخاص نیز به عنوان شرط اساسی تشکیل دهنده خطر تلقی می‌شود، فقدان آن به معنی نبود نفع در معرض خطر در قرارداد خواهد بود. لذا قرارداد بیمه بدون تصور خطر از رکن اساسی تشکیل محروم خواهد ماند. می‌توان فرضی را در نظر گرفت که در آن، زوجه خطر فوت همسرش را

1. Void Ab Initio

تحت بیمه قرار می‌دهد؛ در این فرض وجود رابطه عاطفی و بعضاً اقتصادی میان بیمه‌گذار و بیمه‌شده موجب نفع قابل بیمه برای زوجه خواهد بود؛ زیرا در صورت ازدست‌دادن زوج، ضرر معنوی و مادی وارده به زوجه دور از ذهن نخواهد بود. نفع در معرض خطر زوجه نسبت به تداوم حیات زوج در حقیقت عامل اصلی تمایز قرارداد بیمه با قمار و گروپندی است. حال آنکه در فقدان چنین رابطه‌ای میان بیمه‌گذار و بیمه‌شده، تصور نفع در معرض خطر نیز منتفی خواهد بود و لذا چنین قراردادی را نمی‌توان بیمه تلقی نمود.

با توجه به آنچه گفته شد ملاحظه می‌گردد که موضع قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی، در رابطه با فقدان نفع بیمه‌ای یا معیارهای جایگزین آن در بیمه‌های اشخاص، به سمت وسوی بطلان قرارداد متمایل است. بطلانی که به بیمه‌گذار اجازه می‌دهد حق بیمه‌های پرداختی را پس از اعلام بی‌اعتباری قرارداد، از بیمه‌گر مطالبه نماید.

4. نتیجه

- هرم قرارداد بیمه از سه رأس اساسی خطر، حق بیمه و حادثه تشکیل شده است؛ نفع بیمه‌ای در قرارداد بیمه به عنوان عنصر اساسی تشکیل‌دهنده خطر و وجه ممیزه قرارداد بیمه و شرط‌بندی است. لذا در بیمه‌های اشخاص، حتی رضایت بیمه‌شده نیز نمی‌تواند جایگزین ضرورت‌های وجود این مفهوم در قرارداد بیمه تلقی شود و لازم است نفع قابل بیمه در نظام حقوقی ایران در حوزه بیمه‌های اشخاص مورد توجه قرار گیرد.

- ضرورت وجود نفع به معنی نفی لزوم شرط رضایت بیمه‌شده ثالث در قرارداد بیمه نیست بلکه وجود این شرط در قرارداد بیمه به عنوان ابزار مقابله با مخاطرات اخلاقی، امری انکارناپذیر می‌نماید. لذا به نظر می‌رسد تلفیق نفع قابل بیمه و رضایت بیمه‌شده می‌تواند به نحو مؤثری از قماری شدن قرارداد از یک سو و امکان تحقق مخاطره اخلاقی از سوی دیگر جلوگیری نماید.

- برای تعیین ضمانت اجرای مناسب برای فقدان نفع در بیمه‌های خسارت، باید به حقایق موجود در حقوق بیمه نظر کرد. در این حوزه مهم نیست که چه شخص یا

اشخاصی می‌توانند به بطلان استناد کنند بلکه مهم، یافتن ضمانت اجرای عمل حقوقی ای است که فاقد عنصر اساسی تشکیل دهنده قرارداد است. به عبارت دیگر برای تعیین ضمانت اجرای فقدان نفع، باید نزدیکی و پیوستگی مفهوم نفع و خطر را مدنظر قرار داد.

- به نظر نگارنده، نفع به عنوان شرط اساسی قرارداد بیمه و مؤلفه تشکیل دهنده خطر، از چنان اهمیتی در قرارداد برخوردار است که فقدان آن به عنوان رکن اساسی هر قرارداد بیمه از موجبات بطلان و بی اعتباری قرارداد خواهد بود.

به علاوه قواعد مربوط به نظم عمومی در خصوص منع معاملات قماری و گروبنندی نیز چنین رویکردی را تأیید می‌کند تا جایی که جبران نقض چنین قواعدی را نمی‌توان به خواست و اراده اشخاص واگذار کرد و تنفیذ قرارداد را از اسباب نفوذ آن به حساب آورد.

- اما در بیمه‌های اشخاص در حقوق ایران نفع قابل بیمه مسکوت مانده و رضایت کتبی بیمه شده به عنوان معیار اعتبار قرارداد در نظر گرفته شده است که به نظر می‌رسد این معیار نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای نفع قابل بیمه تلقی گردد و خلاءهای نبود آن در قرارداد را جبران کند. به علاوه فقدان رضایت در قرارداد از اسباب بطلان آن اعلام گردیده است، با این وجود به نظر می‌رسد نه تنها لازم است نفع قابل بیمه به عنوان عامل مقابله با شرط بندی در قرارداد بیمه اشخاص نیز در قانون گذاری ایران مورد توجه قرار گیرد بلکه لازم است به روشنی ضمانت اجرای فقدان نفع معین گردد.

منابع

1. بابایی، الف، 1387، حقوق بیمه، تهران: سمت، چ 7، ص 83.
2. صادقی نشاط، الف، 1372. حقوق بیمه دریایی، مؤسسه آموزش کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، صص 3-32.
3. کاتوزیان، ن، 1385، الف. حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، چ 7، ج 2، صص 323، 49 و 98.
4. کاتوزیان، ن، 1385، ب، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اعمال حقوقی)، چ 11، صص 9-185.
5. مشایخی، ه، 1349، مبانی و اصول حقوقی بیمه، تهران: انتشارات موسسه عالی حسابداری، تهران، ص 154
6. Best jr, F. 1986, "Difining Insurable Interest in lives, Tort & insurance Law Journal, 22 (104), pp. 105-8
7. Birds, J and & Hird, N. J., 2001, *Bird's modern insurance law*, London: Sweet & Maxwell, 5th E, pp. 40 - 68.
8. Groutel, H. and Leduc, F., 2008, *Traité du conrat du d'assurance terrestre*, Lexinexis lites, pp. 785- 93.
9. Macgillivray, E.J. Paris: 1990 *Macgillivray & Parkington on insurance law*, london: Sweet & Maxwell, 8th E, pp. 77-86.
10. Patterson, E. W., 1918. *Insurable Interest in Life*, *Columbia Law Review*, 18, (5), pp. 385-6.
11. Porter, J.B., Craies, W.F. and Morgan, T.W., 1993, *The laws of insurance: fire, life, accident, and Guarantee, Embodying Cases in the English, Scotch, Irish, american, Australian, and Canadian courts*, London: Sweet & Maxwell, p. 36.
12. Provost, M., 2009, *La Notion D'intérêt d' Assurance*, LGDJ, Paris, pp. 294, 197.
13. Schmitthoff, C.M., 1987. *Clive m. schmitthoff 's select essays on international trade law*, Martinus Nijhoff Publisher, p. 330

14. The city of London law society, insurance law committee, 2008. *Response by the City of London Law Society, Insurance Law Committee, to the English and Scottish Law Commissions' Issues Paper 4 on Insurance Contract Law - Insurable Interest*, , pp. 24, <<http://www.citysolicitors.org.uk/FileServer.aspx?oID=338&lID=0>>

1- The law commission and the scottish law commission, 2008, *Insurance Contract Law Issues Paper 4 Insurable Interest*, para 1.12 & 1.28, <http://lawcommission.justice.gov.uk/docs/ICL4_Insurable_Interest.pdf> [Accessed 8/5/2012].

2- http://www.gesetze-im-internet.de/englisch_vvg/englisch_vvg.html (6/6/2012)

3- http://www.elaws.gov.on.ca/html/statutes/english/elaws_statutes_90i08_e.htm#BK169 (6/8/2012)

4- <http://www.legifrance.gouv.fr/affichCodeArticle.do?cidTexte=LEGITEXT000006070721&idArticle=LEGIARTI000006436119&dateTexte=20120830> (7/12/2012)

5- <http://www.legislation.gov.uk> (4/2/2012)